

سیمای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

مؤلف: محمد حسن ربانی

شرکت چاپ و نشر بین الملل



نام کتاب: سیمای امام زمان (عج) در قرآن

مؤلف: محمدحسن ربّانی

نوبت چاپ: اول - بهار ۱۳۹۷

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ روز

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰۰۰ ریال

طراح جلد: مهری ابراهیمی

مسئول تولید: شریف شایسته

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۴-۷۶۴-۱

سرشناسه

ربّانی بیرجندی، محمدحسن، ۱۳۴۳ -

عنوان و نام پدیدآور: سیمای امام زمان علیه السلام در قرآن / محمدحسن ربّانی.

مشخصات نشر: تهران، بهار، سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری

۱۰ ص.

شابک

۹۷۸-۹۶۴-۳۰۴-۷۶۴-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: محمدبن حسن (عج) امام وازدهم، ۲۵۵ ق. -- جنبه های قرآنی

موضوع: Muhammad ibn Hasan, Imam XII -- Koranic aspects

موضوع: مهدویت -- جنبه های قرآنی

موضوع: Mahdism -- Quranic teaching

شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی. شرکت چاپ و نشر بین الملل

رده بندی کنگره: ۲۱۳۹۷ ر ۸۶ / م ۱۰۴ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۲۸۹۳۹

شرکت چاپ و نشر بین الملل



دفتر مرکزی: تهران، میدان استقلال، سعدی جنوبی، پلاک ۲، طبقه ی سوم

نماین: ۳۳۱۱۸۶۰۲

تلفن: ۰۲۱ - ۳۳۹۲۲۹۵۹

فروشگاه مرکزی: میدان فلسطین، ضلع شمال شرق، پلاک ۴ و ۵

نماین: ۸۸۹۰۳۸۴۳

تلفن: ۰۲۱ - ۸۸۹۲۱۹۸۰

www.intlpub.ir • Email: intlpub@intlpub.ir

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره ی کامپیوتری اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، اقتباس در گیومه در مستندنویسی و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۹	پیش گفتار
۹	ترجمه، تفسیر، تأویل
۱۴	فرق‌های تفسیر و تأویل
۱۷	تأویل‌های نادرست
۱۷	صحابه از تفسیر و تأویل قرآن آگاه بودند
۱۹	دلیل تأویل
۲۶	تأویلات قابل فهم
۳۲	تأویلات باطل
۳۶	بررسی روایات تأویل

□ آیات مؤوله به امام زمان علی‌ه السلام

۴۲	آیه اوّل
۴۵	آیه دوّم
۴۸	آیه سوّم
۵۰	آیه چهارم

۵۳	آیه پنجم
۵۵	آیه ششم
۵۸	آیه هفتم
۶۱	آیه هشتم
۶۲	آیه نهم
۶۶	آیه دهم
۶۹	آیه یازدهم
۷۲	آیه دوازدهم
۷۳	آیه سیزدهم
۷۵	آیه چهاردهم
۷۶	آیه پانزدهم
۸۲	آیه شانزدهم
۸۶	آیه هفدهم
۸۸	آیه هجدهم
۹۰	آیه نوزدهم
۹۳	آیه بیستم
۹۴	آیه بیست و یکم
۹۶	آیه بیست و دوم
۱۰۱	کتابنامه

مقدمه

اعتقادات امامیه درباره امام زمان علیه السلام: شیعه امامیه، بحث امامت و جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله را یکی از سنت الهی می‌داند که باید از ناحیه خداوند منصوب گردد، همانطور که رسالت گزینش خداوندی است. علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، در روز هیجدهم ذی الحجه در غدیر خم با دستور خداوند، به جانشینی رسول الله مفتخر شد و منصب امامت به او منتقل گردید.

طبق کلمات صریح رسول خدا صلی الله علیه و آله، انبیین بلا فصل ایشان، یکی پس از دیگری دوازده نور خدائی‌اند که اولین آنها ملقب به لقب امیرالمؤمنین و دوازدهم آنها ملقب به قائم آل محمد می‌باشد. و از رسول امام حسین علیه السلام، امام سوم شیعیان است و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام می‌باشد که در سال ۲۵۵ هجری قمری در سامراء دیده به جهان گشود. پنج ساله بود که پدر بزرگوارش به شهادت رسید و بر پدرش نماز گزارد. او پس از رحلت پدر، عیبت صغری داشت که در مدت کوتاهی، برای خود چهار نماینده تعیین نمود. این نماینده‌ها عبارت بودند از: عثمان بن سعید عمروی، محمد بن عثمان بن سعید عمروی،^(۱)

۱. معجم رجال الحديث، ج ۱۱، ص ۱۱۲؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۶۴. عمروی و عمروی هر دو گفته شده است، نسبت به کنیه ابو عمرو.

و بیان مقصود از وحی باشد، ولی خلاصه معنای اصطلاحی آن، انتقال لفظی به زبان دیگر مراد است.

۲ - تفسیر از ماده «فسر» به معنای پرده از نقاب چیزی برداشتن است.^(۱) ماده «فَسَّرَ» و «سَفَّرَ» را در اشتقاق کبیر مشترک دانسته‌اند.^(۲) تفسیر، مرحله‌ای جدا از ترجمه است که به بررسی واژه‌های آیات، سبب نزول‌ها، احکام استخراج شده از آیات ناسخ و منسوخ، قرائت‌ها و وجوه آن و در نهایت بیان مقصود از آیات قرآن را می‌پردازد.^(۳) ظاهر شدن و ظاهر کردن در مفهوم این کلمه نهفته است. به کسی که این کار را انجام می‌دهد، مفسّر می‌گویند؛ همان طور که به کسی که کار ترجمه و برگرداندن را سامان می‌دهد، مترجم گویند. تفسیر، جنبه تقدّسی دارد و زراً در مورد شرح و بسط و بیان مقصود از آیات به کار می‌رود و درباره سایر کتبها، شرح گفته می‌شود.

۳ - تأویل در لغت از ماده «أَوَّل» است. «أَل، یؤول، أول» که به باب تفعیل برده شد و تأویل گفته شده است. «أَل» بازگشت و تأویل: برگرداندن، و اصطلاحاً لفظ را از معنای ظاهری به معنای غیر ظاهر بردن.^(۴)

۱. جمهرة اللغة، ج ۲، ص ۷۱۸؛ المفردات، ص ۳۸۰؛ الاتقان، ج ۲، ص ۱۱۸؛ لبرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۲۸۳؛ روض الجنان، ج ۱، ص ۲۳؛ مجمع البحرین، ج ۳، ص ۴۳۷؛ روش شناسی تفسیر قرآن، ص ۵؛ البحر المحيط، ج ۱، ص ۲۶.

۲. کشاف اصطلاحات الفنون، ج ۲، ص ۷۶۷؛ صرف ساده، ص ۲۲۰؛ لغت نامه دهخدا ذیل کلمه اشتقاق.

۳. النهایه، ج ۱، ص ۸۰؛ التفسیر والمفسرون، ج ۱، ص ۱۶؛ التعریفات، ص ۷۶؛ الفروق اللغویه، ص ۴۳.

۴. البیان، ص ۳۹۷؛ الذریعه، ج ۴، ص ۲۳۲؛ المیزان، ج ۱، ص ۴؛ التسهیل لعلوم التنزیل، ج ۱، ص ۴.

اکنون که معنای لغوی و اصطلاحی تأویل روشن شد، باید دانست که زمانی ما می‌توانیم بگوییم آیات مورد نظر، دربارهٔ امام زمان علیه السلام نازل شده که نکاتی را توجّه داشته باشیم:

۱- قانون تأویل را بپذیریم. اگر کسی مدّعی شود که قرآن تفسیری جز تفسیر ظواهر آیات را برنمی‌تابد، ما در تطبیق آیات شریفهٔ قرآنی بر وجود مقدّس امام زمان علیه السلام دچار مشکل خواهیم شد. پس پذیرش تأویل، چیزی بیش از پذیرش تنزیل است.

۲- از سوی دیگر؛ در تأویل ادّعایی است که ممکن است از ظاهر قرآن به دست نیاید، لذا هر کسی که بخواهد دست درازی به اندرون و وراء لفظها را نداشته و باید مؤوّل و کسی که از اندرون و بدون قرآن خبر می‌دهد، معیّن و مشخص باشد. شیعه معتقد است که هر کسی که راه‌یابی به سفره‌های باطنی قرآن را ندارد و سفره‌های باطنی قرآن، همچون سفره‌های باطنی زمین می‌باشد که باید دانشمندان از طریق دستگاه‌ها و ابزار آلات خاصّی به زمان آن پی ببرند.

شیعه دیوارهای تأویل را بسته می‌داند و دست هر کسی را در آن باز نمی‌گذارد. مؤوّل را جز رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت او نمی‌شناسد. اگر بنا شد کسی غیر از رسول خدا و اهل بیت به تأویل دست زده و در اندرون قرآن سری بزند، همانا تفسیر به رأی پدید می‌آید؛ بنابراین، در تأویل بسته است و دست، باز نیست و مؤوّلان، رسول خدا و اهل بیت عصمت و طهارت‌اند.

⇒ ص ۹؛ کشف الظنون، ج ۵، ص ۷۲۸؛ التعریفات، ص ۷۶؛ اصول التفسیر و قواعد، ص ۳۰؛ الإیقان، ج ۲، ص ۱۱۹۰؛ البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۲۸۵؛ التفسیر والمفسّرون فی ثوبه القشيب، ج ۱، ص ۲؛ معالم التنزیل، ج ۱، ص ۳۵؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۹.

۳- تأویل نیز به گونه‌های رنگارنگ می‌تواند ظهور کند و روابط آن با تنزیل می‌تواند مختلف باشد:

۱- ۳- تأویل و تنزیل گاهی تطابق دارند؛ یعنی آنچه از ظاهر آیه استفاده می‌شود، بر آنچه در روایات به عنوان تأویل آیات شریفه گفته شده، وفق می‌کند و تضارب و تدافع بین آن دو وجود ندارد. مثلاً آیه شریفه ﴿وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ﴾^(۱) را در نظر بگیرید. در روایات گسترده شیعی، مراد از راسخون، اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌باشند. آن بزرگواران بارها یادآور شدند که «نحن الراسخون في العلم». همان طور که این روایات شاهد صدقی است بر اینکه راسخون، قطعاً «نفوس حلاله»^(۲) «الله» است.

تطبیق بین تأویل و تنزیل یعنی تطبیق ظاهر قرآن و تأویل آن بر معصوم (علیه‌السلام) هیچ مشکلی نداشته و تضارب بین آن دو ایجاد نمی‌شود.

۲- ۳- گاهی تأویل، احتیاج به سند دارد و نیازمند مقداری مقدمه‌چینی و هزینه علمی می‌باشد. باید برای تأویل از آيات قرآن شاهد آورده و بر مقصود اقامه نماییم.

۳- ۳- گاهی اوقات، به تأویل‌هایی برمی‌خوریم که هیچ‌گونه شاهی را برای آن در قرآن نمی‌توان یافت و جز از طریق معصوم به آن مژگی کلام‌راهی نتوان جست. این گونه تأویل‌ها جز از ناحیه معصوم (علیه‌السلام) صادر نمی‌شود و ایمان به معصوم است که ما را به اندرون آیات شریفه راه‌یابی می‌کند. ما آن را بدون چند و چون، بر اساس قانون فوق می‌پذیریم که تأویل فقط از ناحیه مفسران و

۱. سورة آل عمران، آیه ۷.

مؤولان حقیقی قرآن، یعنی رسول خدا ﷺ و اهل بیت ﺍﻟﺒﯿﺖ است. به عنوان مثال، نمونه‌ای را از تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی نقل می‌کنیم که از تفاسیر روایی محض در یک‌جلد و مشتمل بر ۷۷۵ حدیث در توضیح و تفسیر حدود ۵۳۰ آیه از آیات قرآن کریم است. در این تفسیر، تنها ذیل آیاتی که به نحوی با ولایت و فضایل خمسة طيبة و عمدتاً حضرت امیرالمؤمنین علی ﺍﻟﯿﻪ مرتبط بوده، روایاتی ذکر شده است. ^(۱) روایات این کتاب نوعاً معنعن است. ^(۲)

ما در کتاب دانش راجه الحدیث، نمونه و مثالی از حدیث معنعن را از تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی نقل کرده‌ایم که حدیث در بحار الانوار و العوالم نیز ذکر شده است. از امام حسن مسکری ﺍﻟﯿﻪ سؤال شد، مراد از ليلة القدر چیست؟ حضرت فرمود: مراد حضرت زهراء ﺍﻟﯿﻪ است. این روایت در تفاسیر روایی شیعه، در ذیل سورة قدر مشاهده نشد. اما در تفسیر فرات کوفی و بحار الانوار و العوالم بدین گونه است:

«محمّد بن القاسم بن عبید، معنعناً عن أبي عبد الله ﺍﻟﯿﻪ أنه قال: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ الليلة فاطمة ﺍﻟﯿﻪ والقدر، الله فمن عرف فاعلم حقا عرفتها فقد أدرك

۱. ر.ک مکاتب تفسیری، ج ۱، ص ۳۳۱؛ آشنایی با تفاسیر قرآن و مفسران، ص ۱۰۰؛ الذریعه، ج ۴، ص ۲۹۹؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۴۶؛ تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، ص ۳۳۲؛ اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۳۹۶.

۲. در اصطلاح علم درایه الحدیث معنعن به حدیثی گفته می‌شود که سند آن «فلان عن فلان» بدون بیان تحدیث، اخبار و سماع ذکر شده باشد.

ر.ک دانش درایه الحدیث، ص ۱۲۶؛ الرعايه، ص ۹۹؛ نهاية الدرايه، ص ۲۰۵؛ مقباس الهدایه، ج ۱، ص ۲۰۹.

ليلة القدر، وإِنَّمَا سُمِّيَتْ فَاطِمَةَ لِأَنَّ الْخَلْقَ قُطِمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا».^(۱)

امام (عج) فرمود: مراد از «ليلة» فاطمه (عج) است. از «القدر» خداوند متعال اراده شده است. کسی که فاطمه را بشناسد، شب قدر را درک کرده است و فاطمه بدین نام، خوانده شده است، چون خلق از شناخت او ناتوان می‌باشند. این‌گونه تأویل که «ليلة» را حضرت فاطمه (عج) بدانیم و قدر را خداوند متعال بشماریم جز از معصوم (عج) نباید پذیرفت و جز معصوم (عج) آن را نمی‌داند.

فرق‌های تفسیر و تأویل^(۲)

تفسیر، پر برداری از ظاهر قرآن و تأویل، راه یافتن به اندرون بطن‌های قرآن است. تأویل، «سیر» نیست، بلکه در راستای تفسیر است، یعنی آن روایاتی که می‌گوید: قرآن هفت‌بطن و یا هفتاد بطن دارد، همه در راستای تفسیر است و سیر صعودی را طی می‌کنند. تسریر، پلهٔ اول فهم قرآن و تأویل پله‌های بالاتر است، اما در عین حال، بین تأویل و تفسیر فرق‌هایی وجود دارد، و بین آن دو باید تفاوت گذاشت:

۱ - تفسیر برگرفته از ظاهر قرآن است، ولی تأویل برگرفته از اندرون آیات می‌باشد.

۲ - تفسیر بر اساس لغت و فهم واژگان است، لذا ضرورت دارد در فهم تفسیر

۱. بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۶۵؛ تفسیر فرات کوفی، ص ۵۸۱.

۲. جامع البیان، ج ۳، ص ۱۸۴؛ تاج العروس، ج ۷، ص ۲۱۵؛ کشف الظنون، ج ۱، ص ۳۳۴؛ القاموس المحيط، ج ۳، ص ۳۳۱؛ فروق اللغات، ص ۸۷؛ الجامع للأحكام، ج ۴، ص ۱۵؛ روح المعانی، ج ۳، ص ۸۲؛ المیزان، ج ۳، ص ۲۳؛ التمهید، ج ۳، ص ۱۰؛ منشور جاوید، ج ۳، ص ۲۴۸.

آیات بر واژگان تکیه نمود، در حالی که تأویل، تکیه بر واژگان ندارد، لذا آنچه در تفسیر گفته می‌شود، برگرفته از کتاب‌های لغت است، اما تأویل آیه در کتاب‌های لغت یافت نمی‌شود.

۳- تفسیر، برگشت به فهم ظاهر قرآن است و مبتنی بر فهم محاورات عرفی است، لذا اصول فهم عرفی، یعنی اصول لفظیه در فهم آن لحاظ می‌شود و به معنایی اندکی می‌شود که در مقام بیان باشد، همان طور که در آیه ﴿وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُؤَمِّنُونَ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ﴾^(۱) گفته شده که آیه در مقام بیان نجاست و طهارت نیست. لذا بر طهارت جایی که به دهان سگ رسیده، استدلال نمی‌کنند و طهارت از آن آیه استخراج نمی‌شود، چون در مقام بیان نیست، در حالی که تأویل، بازگشت به محاورات عرفی نیست، بلکه معنای آن از اندرون آیات استخراج می‌شود و نمی‌توان بر آن معنای ظاهری و معنای تأویلی، شرایطی را همچون شرط در مقام بیان بردن مزم دانست.

۴- تفسیر به بیان معنی برمی‌گردد، در حالی که تأویل در بیشتر آیات به بیان مصداق برمی‌گردد، پس باید دانست که عناوینی چون تفسیر، تأویل و بیان مصداق وجود دارد و با یکدیگر فرق می‌کند. با ملاحظه مواردی که در احادیث از آن تعبیر به تأویل شده است، فهمیده می‌شود که تأویل نوعی بیان مصداق است.

۵- تأویل از باب تمثیل است و گویی آیه‌ای از قرآن که به عنوان یک قاعده در نظر گرفته شده، بر موارد گوناگون تطبیق داده می‌شود، اما در تفسیر، تطابق بین

معنی و ظاهر لفظ از نظر مذکر و مؤنث و خطاب و حضور باید برقرار شود، در حالی که چنین تطبیقی بین ظاهر آیه و معنای تأویلی آن لازم نیست. خود امام (عج) در بعضی از روایات، تعبیر به تمثیل نموده و تأویل را از باب تمثیل دانسته است.

۶- دانشمندان تفسیر، سیاق را در بیان مراد و مقصود از آیات شریفه دخیل می‌دانند البته عده‌ای مثل علامه محمدحسین طباطبائی، صاحب المیزان سیاق را بیشتر مورد توجه قرار داده‌اند، مگر زمانی که دلیل قاطع بر حذف سیاق باشد، مثل آنچه ربان آیه ﴿ثُمَّ يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^(۱) آمده در باره آنمه (عج) است، در حالی که صدر آیه درباره زنان پیامبر است. در تأویل، اصل سیاق دخالتی ندارد و نمی‌توان تکیه بر سیاق کرد؛ مثلاً آیه شریفه ﴿بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ﴾^(۲) به وجود مقدس امام زمان (عج) تأویل شده، در حالی که در سورة هود، در سیاق سخنان حضرت شعیب می‌باشد:

﴿وَالِى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا زُرَّاعُ ابْدُوا لِلَّهِ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ
وَلَا تَتَّقُوا الْمَكِّيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُمْ بِثَنَاءٍ رَّيًّا يَ أَخَافُ عَلَيْكُمْ
عَذَابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ * وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا
تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ * بَقِيَّتُ اللَّهِ
خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ﴾^(۳)

۱. سورة احزاب، آیه ۳۳.

۲. سورة هود، آیه ۸۶.

۳. سورة هود، آیات ۸۴-۸۶.